

خاتمة المستدرک

[285] متصدیان اشغال دیوانی عراق عرب حسب المسطور مقرر دانسته قلم و قدم کوتاه و کشیده داشته در ضرر و مساحت و باز دیدن از سرکار مدخل نمایند، و بعلت تفاوت و قرص غله و رسول داروغگی و سایر شناقص اصلاً بی نکنند، و در یرغو و سور غوی آنسر کار مدخل نسازند، و جریمه نگیرند، و اگر جریمه صادر شود گذارند که گماشتگان مومی علیه رفع نمایند، و اگر بسهواً از بابت اخراجات سیما مذکورات فوق یا آنچه بعد از این ساج شود چیزی بر آن سرکار حواله نمایند تحصیلداران نطلبند، و تن را بدیوان آورند که محسو بست، و چون الوس حورائی که مزارع و روماس برقانیه اند بزراعت و حواشی آنجا قیام نمایند، هیچ افریده ایشانرا تکلیف بردن بمحل دیگر ننماید، و گذارند که بزراعت و حواشی آنجا قیام نمایند، مال و جهات (1) الوس مزبوره را بر شیخ الاسلام مومی علیه مسلم و حر و مرفوع القلم دانسته، بدستور سایر محال سیورغال مومی علیه عمل نمایند، و چون حکم جهانمطاع صادر شده که چنانچه از باب دوشلکات دیوان اعلی از گرفتن دوشلکات آن سرکار ممنوع اند، ارباب دوشلکات عراق عرب نیز خود را ممنوع شناسند، و بهیچ عذر و بهانه در آنجا مدخل نسازند. چون هدایت پناه. مومی علیه جهت هدایت خلائق احیاناً از نجف اشرف متوجه بعضی از ممالک محروسه میشوند سیما رماحیه و جوایز در ذهاب و ایاب کمال تعظیم بتقدیم رسانند، و سرکار مومی علیه و متعلقان او را در غیبت بدستور حضور بر قرار دانسته از حولات و مطالبات مستثنی شناسند و چون در پاییه سریر فلك مصیر که مجمع اکابر و اشراف و امراء و حکام و اعیان ممالک محروسه است کائناً من کان ملازمت مقتدی الانام مومی علیه نموده، مشار علیه بدیدن احدی نرفته، حکام عراق عرب حفظ این قاعده مرعی داشته، و ظایف ملازمت بتقدیم رسانیده

(1) جاء في حاشية الحجرية: نسخة الاصل: ما لو

جهات الوس... إلى آخره. (*)